



تیر روز

رئیس جمهور: اعتراف می کنم قیمت مواد غذایی در بازار غیر منصفانه است

مردم: همین اعتراف شما به اندازه ۱۰ کیلو آووکادو برامون ارزشمند!

حریر چی: از موج کرونا گذشتیم و درگیر دریای توفانی هستیم

مردم: دکتر نگران نباش، ما آید بده ایم!

بهر روز مفید، تهیه کننده: نباید نگران کاهش مخاطب در تلویزیون باشیم

دارکوب: اصلا مخاطب مگه مهمه!؟

حباب سکه به یک میلیون تومان رسید

حباب روی آب: بقیه حباب میشن، ما هم حباب شدیم!

روحانی: کاش پروتکل ها اجازه می داد در جمع دانشجویان حاضر شوم

دانشجویان: کاش پروتکل ها اجازه می داد ما خودمون هم حاضر نشویم!

معاون وزیر بهداشت: واکنس کرونا تنها جنبه اقتصادی دارد

ویروس کرونا: باز ما از این حرف ها بزنین، ما به روحیه نیاز داریم!

معاون وزیر خارجه: در سال های اخیر حداقل ۴۰۰ هزار ایرانی مقیم کانادا شده اند

بعضی مقیم های کانادا: لطفا ایرانی های غیر مختلس نیان کشور ما، مرسی اه!

رئیس اتحادیه عمده فروشان مواد شوینده: خودرو گران شد، چرا ما گران نکنیم؟

مردم: اختیار داریم، اصلا هر کی دوست داره گرون کنه، کیه که جلوش رو بگیره!؟

کله چغولی

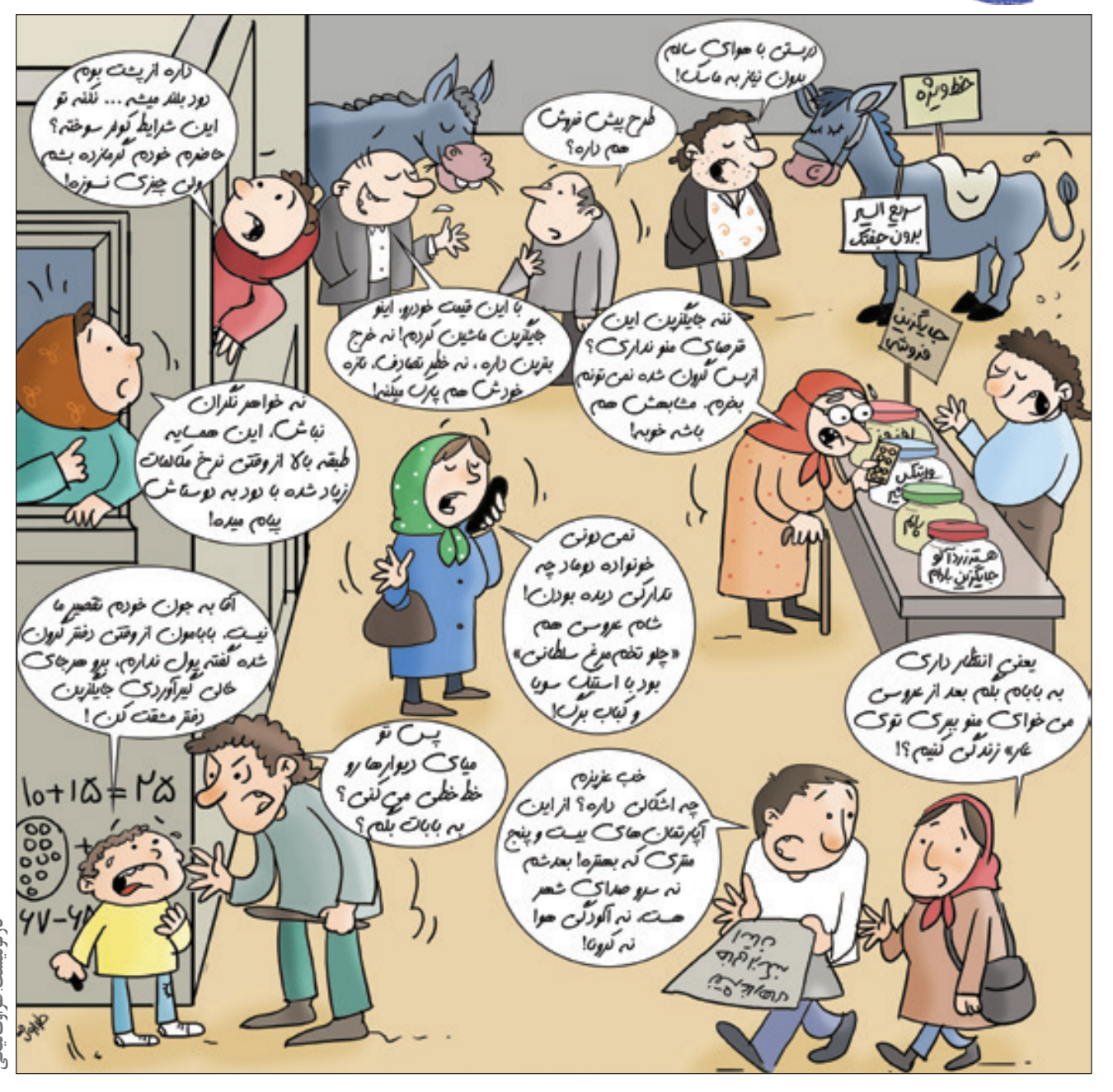
آق کمال شراکت می کند



آق کمال همه کاره و هیچ کاره

مسودر فیقیم پیله کرده بود و بیا شریک مو بشو. یگ روز دگه حوصله ام سر رفت، رفتم مغازه داش و گفتم حرف حسابت چیه؟ گفت: «برار گلم، بیا تو ای سوپر مارکت با ما شریک بشو، قول مدم سر سال بارته بندی!» «گفتم: «داداش، به قول آقا جانم مو چغوک روزی ام، یعنی همی آب باریکه که درم خداره شکر از سرم هم زیاده، ول کن ماره جان عزیزت!» گفت: «خجالت بیکیش، خیر سرت تو تحصیل کرده ای. حالا چرا وریایی؟ پیشین تا برات علمی توضیح بدم. نگا کن، مو الان ای مغازه ره اجاره کردم به اتومن. دخلم آخر هر ماه مشه ب تو من. ای وسط سود خالص خرج در رفته مشه پ تو من. بعد اگه تو بیای ت تو من سرمایه گذاری کنی، سودمان مشه ت تو من که سهم تو مشه جیم تو من و مویم دال تو من و مردم.» یعنی گرگ های وال استریت هم نمستنن ای جوری توضیح بدن و بزرگترین اقتصاددان های دنیا هم تو کف این فرمول ها ممانن! گفتم: «اخوی، مو الان یگ ربعه اینجی نشستم و حتی یگ نفر نیامده یگ شیشه آب معدنی ازت بخره، بعد از رو چی حسابی باها ت شریک بزم؟» خندید و گفت: «اشتباه استراتجیک تو همیه! مو که نمخوام تو بیای پای دخل واستی، مخوام کاره گسترش بدم... وسط حرفش پریدم و گفتم: «دستم به دامنت مسودجان، تو ای بازار خراب، اجاره اتومنی اینجی ره به زور مدی، باز مخوای بزرگترش کنی؟» گفت: «صبر بده! مخوام اینجی ره آنلاین کنم! مسودمارکت در خدمت شماییه! انا حالا خوب رفت خنده ام بگیرفت، گفتم: «جان ما بی خیال شو! الان ایقد سوپر مارکت اینترنتی و تلفنی هست که چیزی بری ما نیمانه. اونایم انقد تخفیف مدن که اگه بخي جوشان کم نیاری، باید از مایه بذار!» گفت: «نه دگه، مو بر نامه خاصی بدم. پیشین تا برات به صورت علمی توضیح بدم. بین تو اگه اتومن بدی به مو، مرم یگ پیچ اینه ستای فالور بالا مخرم، بعد معصوم خانم عیالم مشه ادمین تا عکس اجناس ره بذاره و بگه تحویل رایگان. مردم همی که کلمه رایگان ره بشنن، دهن شان آب میفته. بعدم خودم با موتور میرم بر اشان» گفتم: «برار گلم، اگه مو بهت به جای اتومن، قاف تو من قرض الحسنه بدم، دست از سرم ورداری؟» خندید و گفت: «ها خودش، همیه! ایم از ای.»

یکی از مدیران وزارت بهداشت پس از گران شدن کره گفت کره برای سلامتی مضر است، به جایش روغن زیتون، آووکادو و آجیل بخورید!



سوزه روز

پاسخ به پرسش های روز

مسئول صفحه: خب امروز می خوایم یه تغییری تو این ستون بدیم... چندتا سوال می کنم، شماها باید بر اساس اخبار روز جواب بدین.  
اولی: خیلی هم خوب، امروز می فهمی که من از دست این دوتا چی می کشم!  
مسئول صفحه: سوال اول، اون چیه که آب شده اش ارزون تر از آب نشده شه؟  
سومی: من بگم؟ کره!  
دومی: نه بابا، الان کاغذ مچاله شده پوست کره باز ارزش بیشتر از به هفته پیشه! من فکر کنم دل باشه، دلی که آب شد دیگه اون دل سابق نمیشه... یاد سریال دل آبی که پیش بستن افتادم!  
اولی: جواب که معلومه، طلاست. سوال بعدی لطفا!



فال روز

ای صاحب فال، باید اعتراف بکنیم. گاهی وقت ها اوضاع طوری می شود که پیشگوها و پیش بین های حرفه ای هم در گرفتن فال به در بسته می خوردند. نمونه اش خود ما! باور کنید الان نمی توانیم همین یک ساعت بعد خودمان را پیش بینی کنیم، چه برسد به یک هفته بعد شمارا! پس این قدر پیام ندهید که «بریم بورس یا سکه بخیریم یا خودرو یا طلا یا دلار یا...» از مافقط در حد این که بگوییم «هفته خوبی برایتان آرزو مندیم» برمی آید!

شعر روز

سکه  
نرخ جان با تو چرا گشته برابر، سکه؟  
می کنم سکه من از دست تو آخر، سکه  
قیمتت رفته به مرخ! عطارد! به زحل!  
نه، عطارد که همین جاست، فزانت! سکه  
من نه تنها، که هر آن کس شده داماد، کنون  
با دو دستش بز نزدیک سره بر سر، سکه  
تقی و اصغر و محمود و خشایار و غلام  
صمد و نعمت و مسعود، و اکبر، سکه  
اعتراف می بکنم، خام شدم روز نخست  
خورده ام بنده بلا نسبت شکر، سکه  
مهر کردم تو من سیصد و پنجاه عدد  
همسر مرا و نوشند به دفتر، سکه  
حال محبوس به زندان کیل ابادم  
جرم این است که نام شده شوهر، سکه!

مجید رحمانی صانع

ما و کوچه معشوق!

ما در بدر از کوچه معشوق گذشتیم  
هر شب بگر از کوچه معشوق گذشتیم  
بابا و عموزاده و صدتا کس دیگر  
با در دسر از کوچه معشوق گذشتیم  
در منزل شان بنزو دوتا پور شه مشک  
ما بی سپر از کوچه معشوق گذشتیم  
آهوشدو با نان گذشت از سر کوچه  
ما مثل خر (1) از کوچه معشوق گذشتیم  
یک روز شنیدیم که او گشته عروس و  
بی بال و پر از کوچه معشوق گذشتیم  
هنگام سحر رابطه مان کات شد و رفت  
با چشم تر از کوچه معشوق گذشتیم  
اوضاع پریشانی ما خوش شد و یک شب  
ما با «سحر» از کوچه معشوق گذشتیم!  
یک سال دگر ما و سحر جان عزیزم!  
با یک پسر از کوچه معشوق گذشتیم  
یک سال دگر خنده به لب، خوشگل و خوش تیپ  
با یک خبر از کوچه معشوق گذشتیم  
گفتیم که: «ما گرگ ترین آدم بورسیم!»  
با صد نفر از کوچه معشوق گذشتیم  
گفتند که معشوق جدا گشته ز همسر  
ما مفتخر از کوچه معشوق گذشتیم  
چون شیر تر از کوچه معشوق گذشتیم  
ناگاه شبی بورس به هم ریخت شدید!  
ما پر ضرر از کوچه معشوق گذشتیم  
دیدیم که او بار دگر کرده عروسی  
مثل فنر از کوچه معشوق گذشتیم  
خورده ام زمین وزن مان نیز جدا شد  
ما بی سحر از کوچه معشوق گذشتیم  
دیدم پسر ما داخل یک بر که نوشته:  
«ما بی پدر از کوچه معشوق گذشتیم!»  
امیر حسین خوش حال



وسيله عتیقه لاکچری  
نوع: یک عدد  
قیمت: توافقی (هرچی من توافق کنم)  
توضیحات:  
یک عدد کارد عتیقه بسیار گران بها و کاربردی، متعلق به یکی دو سال پیش، خیلی کارکرده، اصلا تمیز نیست ولی خیلی باارزش است  
مزیت این ابزار عتیقه این است که به دلیل شکل خاص لبه اش، صاحبش با آن فقط کره روی نان می مالیده و هیچ جای دیگری استفاده نکرده است.  
با توجه به قیمت و اهمیت کره در این روزها، این کارد صبحانه به بالاترین قیمت پیشنهادی فروخته می شود.  
تماس فقط خریدار کره باز واقعی

کار نویس: علی کاشی